

راهکارهای ارتقا عملکرد تحصیلی دانش آموزان مبتلا به اختلالات یادگیری

غلامحسین برکت^۱، فریبا احمد پور کریم آبادی^۲

^۱دانشیار، گروه مدیریت آموزشی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

^۲دانشجوی دکتری، گروه مدیریت آموزشی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

نویسنده مسئول:

فریبا احمد پور کریم آبادی

چکیده

مدتهای طولانی دانش آموزانی که دریادگیری یک یا چند درس مشکلات جدی داشتند، با اصطلاحات معلول ادراکی، آسیب دیده مغزی و عصبی معرفی کردند. اما باتوجه به یافته های جدید درمورد یادگیری در سال ۱۹۶۱ جمعی از متخصصین اصطلاح در ناتوانی های یادگیری را جایگزین اصطلاحات قبل کردند (مصطفی تبریزی ۱۳۸۹). امروزه میتوان با تشخیص درست و برنامه های ترمیمی در رفع مشکلات یادگیری گامهای موثری برداشت. درمقاله ای که درنشریه رشد منتشرشده آمده است: اختلالات یادگیری از مهمترین و بحث انگیزترین مقوله های آموزش و پرورش ویژه درجهان است که باید بدرستی شناخته و درک شوند. بااین وجود تشخیص یک مشکل ویژه یادگیری باید محتاطانه انجام گیرد. باید قبول کرد که مشکل ویژه یادگیری یک اختلال نیست بلکه پدیده ای متشکل از گروهی از اختلالات مرتبط به هم است. در این پژوهش تلاش شده است تصویر مناسبی از کودکان مبتلا به اختلالات یادگیری ارائه شود و شناخت معلمان را نسبت به این کودکان بهبود بخشیم. لذا معلمان در کارگاهیمورد آموزش قرار گرفتند تا اهمیت موضوع مورد بررسی قرار گیرد. امید است این خدمت ناچیز ابتدا مورد قبول الهی سپس مورد پذیرش شما عزیزان قرار گیرد

کلید واژه: ارتقای عملکرد، اختلالات یادگیری، دانش آموزان، معلمان.

۱- مقدمه

مفهوم اختلالات یادگیری از اوایل دهه ۱۹۶۰ میلادی وارد حوزه ی علوم تربیتی شد. با یافته های جدید میتوان اثبات کرد که دلایل بخش عمده های از توفیق نیافتن افراد در یادگیری به چیزی غیر از هوش و استعداد مربوط است. بعضی ها مدعی شده اند که مشکلات یادگیری در دوره ی آمادگی قابل تشخیص است. با این ادعاها بایستی محتاطانه برخورد کرد زیرا کودکان در سنین آمادگی از نظر استعداد به سرعت تغییر می کنند لذا این تستها، پیش بینی کننده های ضعیفی برای استعداد کودک در آینده می باشند. مشکلات یادگیری معمولاً وقتی تشخیص داده میشوند که کودک وارد مدرسه شده است (سلیکوتیز ۱۳۸۳). اصطلاح اختلالات یادگیری از نیاز به تشخیص و خدمت به دانش آموزانی برخاسته است که بطور مداوم در کاهای درسی خود با شکست مواجه می شوند، و در عین حال در چهار چوب سنتی کودکان استثنایی نمی گنجند. (یوسف کریمی، ۱۳۸۹) با این وجود هنوز تعریف قطعی برای اختلالات یادگیری مشخص نشده است. پسر ها تقریباً ۳ برابر دخترها در معرض ابتلا به هر یک از مشکلات یادگیری قرار دارند. تصور می رود این امر به خاطر وجود ژنهایی است که در کروموزوم ایکس جای دارند. (سلیکوتیز ۱۳۸۳) بیشتر دانش آموزانی که در یادگیری ناتوان هستند، احساس می کنند بی دلیل در خانه و مدرسه مورد سرزنش قرار میگیرند، علاوه بر این آنها الگوهای غیر عادی از درک این جهان دارند. آنها علی رغم داشتن هوش طبیعی و سلامت جسمی و مغزی، در یک یا چند زمینه یادگیری مانند خواندن، نوشتن، هجی کردن و ریاضی دچار مشکلات شدید هستند و برای پیشرفت تحصیلی، به آموزشهای ویژه نیاز دارند. (کرک و گالاگرو آنستا زیو، ترجمه حیدری ۱۳۸۷). با این وجود اگر عنوان مزبور نا درست بکار رود، میتواند مضراتی در برداشته باشد. این اصطلاحی نیست که به هر دانش آموزی که در مدرسه مردود می شود و یا مرتکب رفتار ی میگردد اسناد داده شود.

۲- بیان مساله :

مدت های طولانی، دانش آموزان دارای مشکلات ویژه یادگیری، با اصطلاحات معنوت ادراکی، آسیب دیده ی مغزی، آسیب دیده ی عصبی معرفتی می شدند. آموزش و پرورش استثنایی، فقط شامل کودکانی میشد که مشکلات آنها در یاد گیری، ناشی از فقدان سلامت جسمانی بود. نه آموزش و پرورش عادی و نه آموزش و پرورش استثنایی، هیچ برنامه ویژه ای برای کودکانی که مشکل جسمانی خاص نداشتند ولی در یادگیری دچار مشکل بودند، نداشت. ناتوانی یادگیری در سال ۱۹۹۴ برای اولین بار در چهارمین راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی مطرح شد (کرک و چالفانت، ترجمه رونقی، خانجانی، وثوقی رهبری، ۱۳۷۷). ناتوانی یادگیری، یک اصطلاح عام است که به گروه ناهمگونی از اختلالات اطلاق میشود که به صورت دشواری های جدی در اکتساب و کار برد گوش دادن، حرف زدن، خواندن نوشتن، استدلال کردن یا ناتوانی های ریاضی بروز می کند. فعالیت های این دانش آموزان در پیشرفت تحصیلی روزمره ای که مستلزم مهارت های خواندن، نوشتن و ریاضی می باشد، به میزان قابل توجهی مشکل دارند (هالاها و کافمن، ترجمه جوادیان ۱۳۸۴). همچنین ضعف روحیه، عزت نفس پایین، شکست های تحصیلی، نقایصی در مهارت های اجتماعی ممکن است با ناتوانی یا دیگری همراه باشد. و به همین دلیل میزان ترک تحصیل در کودکان و نوجوانان مبتلا به ناتوانی یادگیری ۴۰ درصد گزارش شده است به علاوه میزان شیوع ناتوانی ویژه بین ۱ تا ۳۰ درصد نوسان دارد و اگر بسیار خوشبینانه به آمارهای اعلام شده توجه شود و کمترین درصد برای مشکلات یادگیری در نظر گرفته شود، بیانگر به هدر رفتن ۱ درصد از کل بودجه کلان آموزش و پرورش خواهد بود (تبریزی، ۱۳۸۱). آگاهی یافتن آموزگاران از تعریف اختلالات یادگیری شناسایی دانش آموزان مبتلا به این اختلال و قرار دادن آنها در چرخه درمان می تواند به موفقیت تحصیلی این دانش آموزان کمک کند. البته این مشکل فقط به دست معلمان حل نمی شد زیرا دلایل دیگری نیز در بروز این مشکل وجود داشت که بدین ترتیب میباشد :

۱- تشخیص زود هنگام و غیر عملی

۲- نبود یک مرکز مختص این دانش آموزان

۳- روشهای تدریس و کلاس‌داری سنتی و منسوخ

۴- حضور فعال والدین در جهت حل

در این پژوهش محققان در پی آموزش معلمان جهت تشخیص و شناخت اختلالات یادگیری هستند. به عبارت دیگر مساله ای در این بررسی مورد ارزیابی قرار میگیرد این است که آیا افزایش اطلاعات و آگاهی معلمان نسبت به دانش آموزان مبتلا به اختلال یادگیری باعث بهبود وضعیت تحصیلی این دانش آموزان می گردد یا خیر؟

۳- اهمیت و ضرورت تحقیق :

باید خاطر نشان ساخت که نارسایی های ویژه یادگیری امری جهان شمول است، بدین معنا که در تمام زبانها، فرهنگها و ملتهای مختلف مشاهده میشود. تحقیقات متعدد نشان می دهد، در تمام جوامع بشری کودکانی وجود دارند که از بهره هوشی طبیعی هستند، اما دشواری اساسی در زبان شفاهی، توانایی خواندن، نوشتن و انجام عملیات مرتبط با ریاضیات دارند. (کرونیک، ۱۹۹۵). آنچه باید به آن توجه داشت اینست که اختلالات یادگیری موضوعی پیچیده، چند وجهی و دارای ابعاد گوناگون است. بنابراین ضرورت ایجاد می کند که متخصصان مختلفی از حوزه های مختلف در آن دخالت کرده و پرداختن به مساله اختلالات یادگیری را به صورت گروهی و تیمی انجام دهند. بسیاری از کودکانی که اختلال یادگیری دارند، احساس می کنند که بی دلیل در خانه و مدرسه مورد سرزنش قرار می گیرند. آنها اغلب تصویر ناخوشایند خود محور را در ذهنها باقی می گذارند. ممکن است آنها نتوانند خود را جای شخص دیگری فرض کنند و همین امر باعث می شود آنها خود محور به نظر برسند. آنها زمانی گیج و مبہوت میگردند که متوجه میشوند دیگران چنین برداشتی از آنها دارند. (نامارا و نامارا، ۱۹۹۵). والدین کودکی که دچار مشکلات ویژه یادگیری است، غالباً تشویش زیادی درباره ی فرزند خود احساس می نمایند. والدین غالباً در خصوص مشکلات فرزند خویش احساس گناه می کنند، آنها در اثر مواجهه با عقاید متعدد دی درباره ی وضعیت فرزند شان و به خاطر پیشنهاد معالجات مختلفی از طرف مردم، احساس سر در گمی می کنند و غالباً تردید دارند در اینکه آنها کارهای لازم را به قدر کفایت برای کودکشان انجام میدهند یا نه. والدین نیاز به آموزش شیوه هایی جهت مقابله و رفتار صحیح با فرزند ان مبتلا دارند. (سلیکو تیز، مارک، ۱۹۹۸). با توجه به مطالب فوق و جهت جلوگیری از نسبت دادن عناوین کودن، عقب مانده کند ذهن و امثال آن به کودکان دارای اختلال یادگیری، نیاز ضرورت به این تحقیق احساس گردید. امید است این تحقیق موجبات درک اهمیت شناخت و چگونگی آموزش به این کودکان را فراهم نموده و راهگشای تحقیقات بیشتر در این زمینه باشد.

۴- سوالات پژوهش

۱- آیا میتوان آگاهی آموزگاران را نسبت به اختلالات یاد گیری افزایش داد؟

۲- آیا مشکل کودک مبتلا اساساً کلامی یا غیر کلامی؟

۳- آیا افراد خارج از سازمان آموزش و پرورش می توانند در تغییر نگرش معلمان موثر باشند؟

۴- آیا می توان از رویکرد یادگیری مبتنی بر مغز در بهبود وضعیت تحصیلی دانش آموزان مبتلا

استفاده کرد؟

۵- آیا برگزاری کارگاهی در سطح شهرستان میتواند به ما کمک کند؟

۶- نقش خانواده در بهبود وضعیت فرزندان مبتلا به اختلال یادگیری چیست؟

۷- از چه روش‌هایی می‌توان اعتماد بنفس دانش آموزان مبتلا را افزایش داد؟

۸- آیا استفاده از کتابخانه و مجلات می‌تواند در رسیدن به هدف پژوهش به ما کمک کند؟

۹- چه کارهایی برای ارتباط والدین و معلمان می‌توان انجام داد؟

۱۰- آیا راه اندازی مرکز اختلالات یادگیری می‌تواند موثر باشد؟

۵- اهداف پژوهش :

۱- شناسایی ویژگی‌های اختلالات یادگیری.

۲- شناسایی دانش آموزان مبتلا به اختلال بوسیله روش‌های صحیح.

۳- ارائه راهکارهای موثر و برنامه‌های ترمیمی در زمینه آموزش به دانش آموزان مبتلا.

۴- شناسایی روش‌هایی جهت تقویت اعتماد بنفس در دانش آموزان مبتلا.

۵- ارائه راهکارهای لازم جهت ایجاد ارتباط صحیح بین معلمان و دانش آموزان مبتلا.

۶- شناسایی راه‌های افزایش آگاهی والدین در برخورد با فرزندان مبتلا.

۷- شناسایی عواملی که در محیط خانه و کلاس موجب خلل در پیشرفت دانش آموزان می‌گردد.

۸- راه اندازی مرکز اختلالات یادگیری در آموزش و پرورش ماهشهر.

۶- نتایج تحقیق

۶-۱- اجرای برنامه‌های جبرانی

ماکل باست و همکارش معتقدند که قبل از تهیه هر طرح آموزشی لازم است به مطالعه دقیق در جهت تشخیص مشکل واقعی دانش آموز اقدام شود. بهمین منظور آنها پیش از هر اقدامی از طراحان آموزشی پاسخ پنج پرسش زیر را طلب می‌کنند:

۱- آیا ناتوانی کودک صرفاً در یک کانال حسی؟ درواقع با این پرسش کمیت و کیفیت توانایی کودک در حواس مختلف ارزیابی می‌شود.

۲- چه سطحی از سطوح یادگیری درگیر مشکل است؟

۳- آیا مشکل کودک اساساً کلامی است یا غیر کلامی؟

۴- ناتوانی کودک بر کدام یک از زمینه‌ها چون خواندن، نوشتن، ریاضیات، ورزش و مانند آن بیشترین تاثیر را دارد؟

۶-۲- چگونگی اجرای راه حل‌های پیشنهادی :

طبق راهکارهای پیشنهادی ارائه شده اقدامات ذیل در جهت بهبود وضعیت دانش آموزان مبتلا به اختلال یادگیری صورت گرفت:

۱- تشکیل کارگاهی با موضوع اختلال یادگیری: با ارسال بخشنامه‌ای به کلیه مدارس ابتدایی و دعوت از معلمان پایه اول کارگاه اختلالات یادگیری در دبیرستان تربیت تشکیل گردید.

۲- آموزش والدین مراجعه کننده: به منظور افزایش دانش و نحوه برخورد صحیح با فرزندان مبتلا، مهارت های عملی و کاربردی و تربیتی به والدین ارائه می شد تا بدون استرس و بدون هر گونه پیشداوری مشکلات مربوط به یادگیری را رفع نمایند. به همین منظور جلساتی با والدین در هسته مشاوره برگزار گردید. ابتدا نوع اختلال بوسیله مصاحبه، مشاهده، آزمونها، گزارشات معلمان و والدین تعیین می شود. سپس راهکارها و برنامه ها یی پیشنهاد میگردد. والدین باید سعی کنند تا بر نکات مثبتی که در کودک هست تاکید نمایند. کودکان در کسب اعتماد بنفس بالایی برخوردارند. بهتر است والدین درباره ی مشکل یادگیری فرزندشان در همان مراحل اولیه با وی گفتگو کنند. تا کودک دچار سردرگمی و دلسردی نشود. همچنین والدین میتوانند داستان افرادی را که بر خلاف مشکلاتی که داشتند، در کار خویش موفق شدند برای فرزند خویش تعریف کنند. والدین باید همیشه کوشش را، و نه فقط نتیجه را پاداش دهند.

۳- راه اندازی مرکز: اغلب ادارات آموزش و پرورش شهرها دارای مرکز اختلالات یادگیری هستند ولی ماهشهر با وجود حجم گسترده دانش آموزان مبتلا، فاقد چنین مرکزی بود و نیاز به این مهم شدیداً احساس میشد.

۳- دعوت از اساتید در جلسات مختلف: از اساتید و صاحب نظرانی که در این زمینه تحصیلات بالایی داشتند در جلسات مختلف مانند آموزش خانواده، کارگاه، جلسات مدیران استفاده گردید.

۴- استفاده از کتابهای دکتر تبریزی: با استفاده از روشهای ساده و موثر ایشان میتوان کمکهای زیادی به دانش آموزان مبتلا نمود.

۵- ارائه مشاوره تلفنی به معلمان و والدین بهنگام بروز مشکل

۶- استفاده از اتاق بازی درمانی در درمان اختلال یادگیری: از آنجا که کودکان گرایش خاصی به اسباب بازی دارند، استفاده از بازی درمانی، قصه گویی، هنر، موسیقی، شن بازی از هیجانات و استرسهای ناشی از اختلال یادگیری کاسته میگردد.

۷- استفاده از تراکت، بروشور و کتاب جهت ارتقاء آگاهی معلمان و والدین

۸- حضور در مدارس و برپایی کلاسهای آموزشی

۹- تغییر نگرش معلمانی که در کلاسهای آموزش شرکت داشتند: این معلمان که در ابتدای نسبت به دانش آموزان مبتلا اختلال یادگیری هیچ امیدی نداشتند پس از شرکت در این کلاسها با روحیه بالا معتقد بودند که میتوانند روشهای جدید را در کلاسهای خود پیاده نمایند.

۷- نتیجه گیری :

بر اساس پژوهش انجام شده می توان نتیجه گرفت :

۱. آموزش معلمان ابتدایی در زمینه شناخت مشکلات یادگیری دانش آموزان براساس نیازمندیهای دانش آموزان و توسط افراد متخصص از قبیل کاردرمان و مشاور انجام گرفت.

۲. جهت به روز گردانی اطلاعات معلمان ابتدایی استفاده از منابع و تحقیقات و راهکارهای جدید انجام گرفت .

۳. هماهنگی اطلاعات معلمان و والدین در این زمینه ضروری است و به تسریع بازدهی عملکرد انجامید .

۴ . برگزاری مشاوره های گروهی برای والدین این دانش آموزان بسیار موثر واقع شد .

این نتایج دال بر این است که بکارگیری مهارتها و فنون و روشها از طریق صاحب نظران و مطالعه منابع علمی معتبر باعث می شود معلمان عزیز کشورمان در خدمت رسانی به فرزندان این مرز و بوم موفق و موثر تر عمل کنند و دانش آموزان عزیز از امنیت خاطر و اعتماد به نفس کافی به رفع نقایص خود و همچنین حل مساله بپردازند .

با اجرای این کارگاه و پیگیری مسایل مربوط به آن این نتایج حاصل شد:

۱. معلمان درباره اختلالات یادگیری شناخت پیدا کردند .

۲. معلمان با درک روحیات این دانش آموزان در روشهای تدریس تجدید نظر نمودند.

۳. معلمان به مطالعه بیشتری درباره اختلالات یادگیری پرداختند .

۴. سطح آگاهی والدین در زمینه این اختلال از طریق آموزگاران افزایش یافت .

۵. مراجعه به هسته مشاوره در خصوص کمک به این دانش آموزان افزایش یافت .

۸- پیشنهادات :

۱. برگزاری دوره های ضمن خدمت با هدف آموزش معلمان ابتدایی در زمینه آشنایی بیشتر با اختلالات یادگیری .

۲. برگزاری کارگاههایی با موضوع اختلالات یادگیری برای معلمان کلیه پایه ها .

۳. برگزاری جلسات مشاوره گروهی برای والدین .

۴. برگزاری جلسات مشاوره گروهی برای آموزگاران .

۵. برگزاری جلسات مشاوره گروهی و فردی برای معلمان .

۶. و ایجاد مرکز درمان اختلالات یادگیری که با پیگیری های کارشناسی مشاوره شهرستان ماهشهر و اداره آموزش و پرورش امکان پذیر گشت .

۷. هماهنگی با پزشک متخصص مغز و اعصاب و متخصص کودکان و گفتار درمان و کاردرمان جهت رسیدن به نتیجه مطلوب به منظور خدمات رسانی به این کودکان .

منابع:

- [۱] تبریزی - مصطفی ۱۳۷۷ - درمان اختلالات ریاضی. تهران انتشارات فراروان .
- [۲] تبریزی - مصطفی ۱۳۷۷ ، درمان اختلالات دیکته نویسی، تهران انتشارات فراروان .
- [۳] تبریزی - مصطفی ۱۳۷۷ ، درمان اختلالات خواندن . تهران انتشارات فراروان .
- [۴] زارعی، اقبال، محمدی راد فروغ ۱۳۸۳، مبانی نظری، علمی اقدام پژوهی، قم انتشارات نسیم کویر
- [۵] سلیمکوتیز - مارک م دکتر عصمت فاضلی ۱۳۸۳ - نارسا خوانی و سایر مشکلات یادگیری. تهران انتشارات یسپرون .
- [۶] سیف نراقی - مریم، نادری عزت الله ۱۳۸۹ - نارسایی های ویژه یادگیری تهران انتشارات ارسباران.
- [۷] کریمی، یوسف، ۱۳۸۷، اختلالات یادگیری، تهران - نشر ساوالان .
- [۸] مبارکیان، طیبیه ۱۳۹۱، پایان نامه اثر بخشی آموزش مبتنی بر مغز بر بهبود اختلال یادگیری املا در دانش آموزان ابتدایی اهواز .
- [۹] مک نامارا، باری ای و مک نامارا، فرانسیس جی م ترانه بهبهانی ۱۳۸۸ کلید های برخورد باناتوانی در یاد گیری تهران نشریه برین .
- [۱۰] وندز رندن، جیمز م حمزه گنجی ۱۳۸۹ روانشناسی رشد ۲ و ۱، تهران نشر ساوالان .